

روشن بینی و تنبیه تربیت اخلاق

داود حسینی*

مفهوم‌شناسی

تشویق در لغت

تشویق، واژه‌ای عربی از باب
«تفعیل» و از ماده‌ی «شوق» است
و به معنای کشیده شدن نفس
آدمی به سوی امری^۱ است. به
عبارتی دیگر تشویق به معنای به
شوق آوردن و راغب کردن به
چیزی و ستودن کسی در امری و
دلگرم کردن به چیزی است.^۲

اصول ماکه بر روش تشویق و تنبیه در تربیت اخلاقی *



* کارشناسی ارشد روان‌شناسی و عضو گروه اخلاق و تربیت اسلامی.

۱. ابن منظور: لسان العرب، ج ۷، ص ۲۳۹ و اقرب الموارد، ج ۱، ص ۶۲۱.

۲. محمد معین: فرهنگ معین، ص ۱۰-۱۵.



تشویق در اصطلاح روان‌شناختی عبارت است از: «ارائه یک محرک مطلوب (از نظر مرتبی) پس از انجام رفتار مطلوب، به منظور افزایش، تکرار و تثبیت آن عمل در رفتار».^۱

تشویق، به کار بستن راهکاری تربیتی است که برای ایجاد، اصلاح یا تثبیت یک رفتار صورت می‌گیرد.

تنبیه در لغت

تنبیه، در زبان عربی به معنای بیدار شدن و برخاستن از خواب است. به عبارت دیگر به آگاه کردن و واقف کردن شخص بر امری، تنبیه گفته می‌شود: «آگاه و بیدار کردن، واقف گردانیدن بر چیزی، مجازات کردن، گوشمالی دادن، سیاست کردن و چوب زدن».^۲

تنبیه در اصطلاح روان‌شناختی ارائه یک محرک آزار دهنده (ناراحت کننده) به یک ارگانیزم است که نتیجه آن، کاهش قدرت فراوانی پاسخ‌هایی است که پیش از تنبیه انجام شده است، مانند انتقاد شدید از یک دانش‌آموز پس از مشاهده‌ی رفتار خاص».

جایگاه تشویق و تنبیه

تشویق و تنبیه دو ابزاری است که برای ضمانت اجرای تعلیم و تربیت و گسترش آن و سالم سازی فضای خانه، مدرسه و جامعه و ایجاد انگیزه

۱. علی اکبر سیف: تغییر رفتار و رفتار درمانی نظریه‌ها و روش‌ها، صص ۱۶۶-۱۶۷.

۲. علی اکبر سیف: روان‌شناسی پرورشی، صص ۲۴۶.

برای پرهیز از تخلفات، ضروری قلمداد می‌شود. بشارت و انذار پیامبران الهی و پاداش و کیفر و وعده و وعید دینی، بر همین روش استوار است. اسلام هر دو شیوه را در چارچوب خاص خود می‌پذیرد؛ زیرا نیکی و بدی را یکسان نمی‌بیند و به نیکوکار و بدکردار، یکسان پاداش نمی‌دهد: «مبادا نیکوکار و بدکار نزد تو یکسان باشد، زیرا این روش، نیکوکار را از کار نیک دور ساخته، بدکردار را به کار بد سوق می‌دهد».^۱

تنبیه و تشویق، در قرآن کریم از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. حدود ۳۰۰ آیه درباره موضوع تشویق و ۶۰۰ آیه به عامل تنبیه اشاره دارد. آیات به همراه بودن تشویق و تنبیه توجه دارد.^۲

قرآن کریم با توجه به رعایت مراتب گوناگون پاداش و کیفر از عوامل مادی و غیرمادی، عاطفی و غیر عاطفی برای تشویق و تنبیه استفاده کرده است.^۳

قرآن کریم با توجه به رعایت مراتب گوناگون پاداش و کیفر از عوامل مادی و غیرمادی، عاطفی و غیر عاطفی برای تشویق و تنبیه استفاده کرده است.

۱. نهج البلاغه، صبحی الصالح (تحقیق و تصنیف)، ص ۴۳۰.

۲. غافر / ۴۰.

۳. بقره / ۸۲، بقره / ۱۹۵، انعام / ۱۳۲ و حدید / ۱۰.



رویکردهای مختلف در مواجهه با تنبیه و تشویق

در مواجهه با شیوه تشویق و تنبیه سه رویکرد افراط‌گرایانه، تفریطی و معتدل وجود دارد.

نظریه‌ی افراط‌گرایانه

بیشتر صاحب نظران مکتب‌های تربیتی قدیم بر این باور بودند که متربی‌ان به دلیل طبع ناسالم و نداشتن هوش و درک کافی، سزاوار سخت‌ترین تنبیه‌ها هستند. برخی از آنان اعتقاد دارند که هنگام وقوع خلاف و جرم، روح شیطان در کالبد کودک و جوان مجرم حلول می‌کند. بنابراین، باید او را به شدت تنبیه کرد و در محرومیت نگاه داشت تا روح شیطان از کالبدش بیرون رود.

داروین، هابز، لاک و برخی دیگر از فیلسوفان مسیحی، به جواز مطلق تنبیه اعتقاد دارند.^۱

نظریه‌ی تفریط‌گرایانه

برخلاف افراط‌گرایان، تفریط‌گرایان، هر گونه تنبیه را ممنوع قلمداد می‌کنند. به باور آنان، همواره باید تمایلات بی حد و مرز کودک و نوجوان را بپذیریم و با فرد مجرم و خلافکار نیز مانند یک بیمار برخورد کنیم. نظریه پردازانی نظیر روسو، فروبل و پستالوزی بر این اعتقادند که تنبیه خواه ناخواه پیامدهایی به مراتب زیان بارتر از خود جرم دارد.^۲



۱. سید مجتبی هاشمی: تربیت و شخصیت انسانی، دفتر تبلیغات اسلامی، پاییز ۱۳۷۲، ص ۹۸.

۲. همان، ص ۸۳.

«ژان ژاک روسو» معتقد است که انسان برای تربیت خردسالان، به مجازات و تنبیه نیاز ندارد، زیرا برای هر کار کودک مجازات و تنبیه طبیعی وجود دارد.

کودکی که سیب فاسد می‌خورد، دل درد می‌گیرد. کودکی که به آتش نزدیک می‌شود، از آن آسیب می‌بیند و آن که با چاقو بازی می‌کند، زخم بر می‌دارد، همین آسیب‌ها، تنبیه و مجازات اوست. پس به طور کلی، برای هر رفتار نامطلوب کودک، تنبیه و مجازاتی طبیعی و متناسب با آن وجود دارد، اسپنسر می‌گوید:

بهترین سستی که در تأدیب کودک باید از آن پیروی شود، مجازات طبیعی است که متجانس با عمل او است. تنبیه بدنی و توییح و زجر طفل، تنبیه و مجازاتی بی‌ارزش و اهمیت است؛ چون مخالفت با سنن و قوانین طبیعت است و نظر به این که میان جرم طفل و کیفرها و تنبیه تأدیبی معمول، فاصله وجود دارد و با هم متناسب نیستند، زیان چنین تنبیهاتی، از نفع آن بیشتر است.^۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

نظریه‌ی اعتدال گرایانه

نظریه اعتدال گرایانه که با عقل سلیم و تجربه هماهنگی دارد تشویق و تنبیه را به عنوان دو عامل پیش برنده و باز دارنده در تربیت می‌پذیرد. ولی تشویق را بر تنبیه مقدم می‌داند. به دیگر سخن، این نظریه هر چند وجود



تنبيه را لازم و ضروری می‌داند، ولی بر غلبه تشویق نسبت به تنبيه تأکید دارد.

غلبه تنبيه بر تشویق به احساس ناامنی و حقارت، دوگانگی شخصیت و بدفهمی کودک می‌انجامد. مکتب اسلام چون به اصالت رحمت و محبت اعتقاد دارد، تنبيه درست و مجاز را نیز گونه‌ای لطف و رحمت در حق فرد خلافکار می‌داند، زیرا سبب کنترل رفتار و تربیت انسان و پیشگیری از هرز رفتن نیروی جسمی و روانی و سلامت و سعادت فرد خواهد شد.

اصول حاکم بر تشویق و تنبيه

تشویق و تنبيه زمانی نتیجه بخش خواهد بود که براساس اصول دقیق اعمال شود. در غیر این صورت نه تنها اثر تربیتی مطلوب از آن‌ها حاصل نخواهد شد، که فرایند تربیت را دچار مشکل خواهد کرد. مهمترین اصول حاکم بر تشویق و تنبيه عبارت است از:

تشویق و تنبيه زمانی نتیجه بخش خواهد بود که براساس اصول دقیق اعمال شود.

تعلق تشویق و تنبيه به رفتار، نه به شخصیت فرد

تشویق و تنبيه باید به کار نیک و بد فرد تعلق گیرد، نه به شخصیت فرد؛ در غیر این صورت، فرد بر اثر تشویق دچار غرور می‌شود و در اثر تنبيه در معرض احساس حقارت قرار می‌گیرد.

تناسب تشویق و تنبیه با رفتار

تشویق و تنبیه باید بجا و متناسب با میزان و نوع کار باشد. نباید برای کار کوچک، پاداش‌های بزرگ و تحسین‌های بیش از اندازه در نظر گرفت. در مورد تنبیه هم، باید میزان خطا و جرم را در نظر گرفت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره فردی که از نافرمانی خانواده‌اش شکایت کرد بعد از امر به عفو و بخشش فرمود: «اگر خواستی تنبیه کنی، به اندازه گناهی که کرده است مجازات کن».^۱

تشویق و تنبیه بهنگام

تشویق و تنبیه باید بهنگام انجام گیرد تا تأثیر مشخص و مفیدی داشته باشد. فاصله میان رفتار مطلوب و پاداش، اثربخشی آن را کم می‌کند. همچنین اگر بین تنبیه و زمان تخلف، فاصله باشد، علت تنبیه فراموش می‌شود.

واضح بودن دلیل تشویق و تنبیه

شخصی که تشویق یا تنبیه می‌شود و شاهدان این جریان، باید دلیل تشویق را بدانند. عدم آگاهی به علت، دو نتیجه نامطلوب باقی می‌گذارد. نخست این‌که، نمی‌داند کدام کار مطلوب بوده که آن را تکرار یا ترک کند. دوم این‌که دریافت پاداش و تنبیه در برابر کار کم اهمیت تأیید درونی او را بر نمی‌انگیزد و خود را سزاوار آن نمی‌بیند.

در نظر گرفتن تفاوت‌های فردی

آدمیان، از نظر فهم و عقل، استعدادها و توانایی‌ها متفاوتند. از این رو باید خواسته‌های والدین و مربیان از کودکان و متربیان متناسب با توانایی آن‌ها باشد تا تشویق و تنبیه جنبه اصلاحی و اثر گذار داشته باشد. اگر کودکی با توانایی محدود در انجام تکالیف خود کوتاهی کند، باید تنبیه او متناسب با همان توانایی باشد و برعکس فردی که همه امکانات و توانایی‌ها را داراست، ولی از انجام مسؤلیت شانه خالی می‌کند، باید برای او بر اساس همین توانایی، مجازات در نظر گرفت. اصطلاحاً نباید همه را با یک چوب راند.

روش‌های تشویق و تنبیه

برای اعمال تشویق و تنبیه روش‌های مختلفی وجود دارد که بعضی از آن‌ها مقدم بر دیگری است زیرا استفاده از آن آسان‌تر است و به مؤونه و مقدمات زیادی احتیاج ندارد. در این جا به بعضی از روش‌های تشویق و تنبیه بصورت جداگانه اشاره می‌کنیم.

تشویق کلامی

از کلام و سخن به عنوان یک شیوه تشویقی به صورت‌های مختلف می‌توان بهره گرفت؛ مهمترین شیوه‌ها عبارتند از:

تحسین

تحسین به معنی نیکو شمردن کار است. با تحسین روحیه امیدوارانه در فرد پدید آمده و تلاش خواهد کرد با تکرار اعمال خوب از تحسین



دیگران برخوردار شود. از این رو، تحسین را باید از عوامل مهم در نفی جنبه‌های منفی و تقویت جنبه‌های مثبت آدمی دانست.

رضایت مندی

التزام به مقررات و تعهدات از جانب متربی مستلزم اعلام رضایت مندی مربی از اوست. اعلام رضایت پدر از کودک، مهم‌تر از مادر است چرا که مادران به دلیل مهرورزی همیشگی نسبت به فرزند، تشویق و رضایت مادرانه برای فرزند، عادی است.

همچنین اعلام رضایت از رفتار در سنین بالا از اثر گذاری بیشتری برخوردار است. امیرالمومنین علی علیه السلام درباره یکی از فرماندارانش می‌فرماید: «توبه خوبی فرمانروایی کرده‌ای و امانت را به جای آورده‌ای، پس بی آن که مورد کم‌ترین بدگمانی و ملامتی باشی، یا اتهام گناهی درباره تو مطرح باشد، به سوی ما بیا»^۱.

رعایت برخی نکات در تشویق و تنبیه کلامی ضروری است.

- تحسین و رضامندی باید بر پایه واقعیت‌ها و رفتار سرزده باشد، نه بر اساس آنچه هنوز انجام نگرفته است.

- تحسین و رضامندی باید خالصانه و باطنی بوده و از ظاهر سازی و تصنع عاری باشد.

- تحسین باید به اندازه باشد تا در رشد فرد نقش مثبت خود را ایفا کند. امیرمومنان علی علیه السلام در این باره فرموده است: «ستایش بیش از استحقاق، چاپلوسی است»^۲.



۱. عبدالمجید معادیخواه: فرهنگ آفتاب، ج ۳، ص ۱۳۹۵.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۳۴۷.

- از به کارگیری همهٔ واژگان مربوط به ستایش و تحسین پرهیز شود و برای کارهای برتر فرد در آینده نیز برخی عبارات را ذخیره داشته باشید.^۱

دعا کردن

دعای مربی هم عامل برانگیزاننده و نشانگر توجه و علاقه مربی به مربی است و هم به عنوان یک عامل بیرونی زمینه‌ساز توفیق الهی به شمار می‌رود.

قرآن کریم به پیامبر اکرم ﷺ سفارش می‌کند هنگام صدقه گرفتن از مردم، برای آنان دعا کند زیرا این کار، آنان را آرام خواهد کرد.^۲ و در روایت می‌خوانیم: «هر گاه کسی زکات مالش را نزد رسول خدا ﷺ می‌آورد، ایشان او را دعا می‌فرمود».^۳

وعده دادن

یکی دیگر از شیوه‌های تشویق، دادن وعده‌های نیک است. وعده‌ها ممکن است مادی یا معنوی باشد. اگر کودکی بداند پس از انجام کردار نیک و آراسته شدن به اخلاق پسندیده، سرانجام نیکویی در انتظار اوست، با توانایی دو چندان کار خواهد کرد.^۴ البته باید در استفاده از وعده دادن به عنوان یک شیوه تشویقی به نکات زیر توجه کرد:



۱. حدود آزادی در تربیت، ص ۲۱۸.

۲. توبه / ۱۰۳.

۳. اسدالله طوسی: دیدگاه اسلام نسبت به تشویق، ص ۷۵.

۴. همان، ص ۴۹.

- به وعده‌ای که به کودکان و نوجوانان می‌دهید، وفا کنید. وفا نکردن به وعده، اعتماد کودکان را به پدر و مادر و آموزگار کاهش می‌دهد.

- چیزهایی را وعده دهید که توان انجام آن را داشته باشید و از وعده‌های انجام ناشدنی بپرهیزید.

- کودکان را به وعده‌های بزرگ عادت ندهید تا تجمل پرستی در آنان پدید نیاید. دادن وعده‌های پر خرج و گزاف، به اقتصاد خانواده آسیب می‌رساند و در تربیت روحی و اخلاقی کودک نیز اثر مطلوبی باقی نمی‌گذارد.

شیوه مالی

انسان به دلیل نیازمندی به مادیات، با برخورداری از پاداش‌های مالی، نسبت به انجام کار، بیشتر دلگرم می‌شود. به ویژه انسان‌هایی که از گنجایش روحی بالا برخوردار نیستند بیشتر به پاداش‌های مادی گرایش دارند.

پاداش‌های مالی و مادی در سیره تربیتی معصومین (علیهم السلام) نیز جایگاه ویژه‌ای داشته است.

شیوه عاطفی-روانی

محبت ورزیدن از شیوه‌هایی است که کاستی‌های عاطفی و روانی موجود در روحیه نوجوان و جوان را جبران می‌کند و آنان را به مسیر درست رهنمون می‌سازد. قرآن کریم از این شیوه تشویقی به طور گسترده برای تربیت انسان‌ها بهره برده است: «همانا خداوند، نیکوکاران را دوست دارد»^۱.



آشکار است که محبوب خدا قرار گرفتن برای یک فرد با ایمان، ارزش فوق‌العاده‌ای دارد. بدین ترتیب، فرد به آرامش روانی دست می‌یابد و با برآورده شدن نیازهای عاطفی‌اش، به سوی خیر و صلاح، هدایت می‌شود.^۱ اولیا و مریبان و مسوولان اجتماعی باید بکوشند از این شیوه بیشتر بهره گیرند؛ زیرا انسان‌ها برحسب فطرت و سرشت ذاتی خود، محبوبیت و احترام را دوست دارند. انسان‌ها خواهان حفظ کرامت و ارزش انسانی خود نزد دیگرانند، از این رو، با افرادی که شخصیت‌شان را تکریم می‌کنند و برای آنان، حرمت بیش‌تری قائل هستند، خالص‌تر و صمیمانه‌تر ارتباط برقرار می‌کنند. بدین‌سان یکی از روش‌های تشویق در قبال انجام وظیفه یک فرد آن است که به او بفهمانیم او را دوست داریم.^۲

روش‌های تنبیه به شکل فرایندی و مرحله‌ای

تنبیه مراحل گوناگونی دارد که با اجرای مراحل ساده‌تر از مراحل پیچیده‌تر و بالاتر آن بی‌نیاز می‌شویم. یک نگاه خشم آلود پدر یا آموزگار بیش از سرزنش و تنبیه جسمی، در بازداشتن کودک از بزهکاری، اثرگذار است. از این رو، مریبان با تجربه کم‌تر حرف می‌زنند و کم‌تر امر و نهی می‌کنند. آنان با چهره و نگاه معنادار، پیام تربیتی خود را به شاگردان انتقال می‌دهند و مجبور نیستند از شیوه‌های دیگر برای تنبیه بهره گیرند. به این ترتیب پیش از پرداختن به تنبیه بدنی، باید مراحل مختلفی را طی کرد که ذیلاً به آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. اسدالله طوسی: همان، ص ۷۶.

۲. حدود آزادی در تربیت، ص ۲۲۱.

تنبیه کلامی

یادآوری غیر مستقیم

مربی در این مرحله باید بکوشد با آوردن کنایه‌های درست و اشاره‌های دقیق و اخلاقی در لابه‌لای سخنان خود، بی‌آن که به صورت مستقیم کسی را مخاطب قرار دهد، مربی را به وجود اشتباه و لزوم ترک آن رهنمون سازد. در سیره‌ی معصومین (علیهم السلام) موارد متعددی از برخورد هدایت‌گرانه و همراه با کنایه و اشاره مبهم آنان با افراد خطاکار به چشم می‌خورد.

تهدید

مرحله بعد بهره‌گیری از تهدید است. اساس تهدید، هراساندن خطاکار از رخ دادن امری است که از آن بیم دارد. تهدید، رسیدن به هدف را آسان‌تر می‌کند. با بهره‌گیری از تهدید می‌توان آدمی را از راه و روشی که در پیش دارد، بازداشت و اجازه نداد که بی‌بند و بار یا بی‌ضابطه باشد. قرآن کریم زنان پیامبر اکرم ﷺ را تهدید می‌کند که مبادا گرد فحشا بگردند و چنانچه مرتکب فحشا شوند، مجازات و عذابی دوچندان در انتظار آنان خواهد بود!

در به کارگیری تهدید، ظرفیت سنی، فکری، پیشینه عاطفی و روانی افراد را در نظر داشته باشید، زیرا تحمل انسان‌ها به ویژه کودکان یکسان نیست. همچنین نباید تهدیدها به گونه‌ای باشد که روابط انسانی را خدشه‌دار کند. کودک باید خود را سزاوار چنین عقوبتی بداند، نه این که

آن را ستمی به خود بیندارد.^۱ نیز امکان عملی کردن تهدیدها در موارد ضروری وجود داشته باشد.

سرزنش

مرحله بعد از تذکر سرزنش است. سرزنش، شیوه فشار روانی آرام برای کنترل فرد است و معمولاً هنگامی به کار می‌رود که فردی از پندآموزی دیگران، طرفی نبسته باشد. در این حالت یک مربی با افزایش هیجان ناشی از نگرانی در خطاکار، بر درد و فشار روانی او می‌افزاید و آن‌گاه به ملامتش می‌پردازد. این کار سبب خواهد شد فرد خطاکار برای جبران اشتباه‌های گذشته، گام بردارد.

نباید تهدیدها به گونه‌ای باشد که روابط انسانی را خدشه‌دار کند.

سرزنش باید بهنگام، بدون زیاده‌روی و تندروی باشد. اگر سرزنش بیجا نباشد، نتیجه منفی در پی خواهد داشت. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «الاقراط فی الملامة تشب نیران اللجاج»^۲ زیاده‌روی در سرزنش، آتش لجاجت را شعله‌ور می‌سازد. م‌انسانی و مطاعات فرنگی سرزنش ممکن است نگاه عادی یا عمومی، نگاهی معنادار یا نگاهی همراه با به زبان آوردن پیامد کردار فرد باشد.^۳

محروم کردن از تقویت و پاداش

در این روش به دلیل رفتار ناپسندی که کودک مرتکب می‌شود، او را برای مدتی از دریافت تقویت محروم کنند. بدین منظور کودک را از آنچه

۱. حدود آزادی در تربیت، ص ۲۴۶.

۲. الحدیث، ج ۱، ص ۲۰۴.

۳. جایگاه روش‌های تنبیه در تعلیم و تربیت، ص ۱۱۷-۱۱۸.



برای او خوشایند است محروم کنید و یا از محیطی که برای او دلپذیر است خارج کنید.

مثلا اگر کودک شما دوست دارد تلویزیون تماشا کند یا از بازی‌های رایان‌های استفاده کند؛ در مقابل رفتار نامطلوب او، تلویزیون را خاموش کنید و به او بگویید که این تنبیه رفتار ناپسند اوست و او نمی‌تواند برنامه مورد علاقه خود را ببیند.

تنبیه عاطفی

قهر کردن

قهر کردن یکی از شیوه‌های تنبیه عاطفی در تربیت است که برای جهت‌دادن کودک به انجام کردار پسندیده و بازداشتن او از ارتکاب به کارهای ناپسند صورت می‌گیرد.

کودک با پدر و مادر و اطرافیان خود معاشرت دارد و به این معاشرت، دلگرم و مأنوس است. او می‌خواهد پدر و مادر و مربیان همواره او را پذیرا باشند و با مهر و عاطفه و تأیید با او برخورد کنند. از این رو، اگر پدر و مادر یا مربی برای مدت کوتاهی، پیوند خود را با او بگسلند، وی در خواهد یافت که آنان از رفتار او رضایت ندارند. پیامد قهر کردن این است که کودک باید در تنهایی و سکوت، زندگی را بگذارند. در این حالت، وی درک خواهد کرد که این شیوه برای او سنگین است و به اصلاح رفتار خویش دست خواهد یازید. سخن نگفتن، بی‌اعتنایی و به بازی نگرفتن کودک از روش‌های قهر کردن است.

شخصی نزد امام موسی بن جعفر علیه السلام از رفتار فرزندش شکایت کرد.

امام علیه السلام فرمود:



«لا تضربه و اهجر و لاتطل»؛^۱ فرزندت را نزن و برای ادب کردنش، از او قهر کن، ولی مراقب باش قهرت به درازا نکشد.

اخراج کردن

اگر همهٔ مراحل تنبیه کلامی مانند یادآوری مستقیم و غیر مستقیم، سرزنش، قهر و اخطار سودی نبخشد و فرد خطاکار همچنان به اشتباه خود ادامه دهد، تنها راه درمان، اخراج است. باید با اخراج دانش‌آموز از کلاس درس یا مدرسه - اگر چه به‌طور موقت - او را تنبیه کرد.

در مرحلهٔ نخست، بیرون راندن کوتاه مدت دانش‌آموز از کلاس درس یا گروه‌های ورزشی و تفریحی می‌تواند عامل بازدارنده‌ای او از شرارت و تخلف باشد. اگر این کار اثر نبخشد، باید به‌طور دائم او را بیرون راند. بعضی روان‌شناسان بر این باورند که تغییر محیط تربیتی، سبب دگرگونی روحی تربیت شونده می‌شود و او را به رشد می‌رساند. مثلاً با هماهنگی والدین او را به مدرسه دیگر منتقل کنند.

تنبیه بدنی

اسلام، تنبیه بدنی را به عنوان آخرین روش تربیتی برای مجرم یا مجرمان مطرح می‌کند. هنگامی که شیوه‌های تنبیهی غیر بدنی، اثربخش نباشد، نوبت به تنبیه بدنی می‌رسد. در نظام تعلیم و تربیت، مسألهٔ تنبیه بدنی، به‌طور خاص با مسألهٔ تکلیف، ارتباط دارد؛ یعنی اگر شاگرد به سن تکلیف شرعی رسید و جرمی را مرتکب شده است، باید کیفر ببیند و با او مانند دیگران رفتار شود.